

تقدیم به:

مددکاران اجتماعی که تقسیم خنده‌ها و ترمیم گریه‌ها را پیشه خویش ساخته‌اند؛ روان پاک مددکاران اجتماعی که پس از عمری تلاش و کوشش و خدمت به خلق محبوب خدا دار فانی را وداع کردند؛ و پدر بزرگوارم که همیشه در توجه به نیازمندان الگوی عملی برای من بوده است.

پیشگفتار چاپ هشتم

خداوند را شاکرم که توفیق اندیشیدن را به انسانها عطا کرد تا از این طریق راه بهتر زیستن و بهتر کارکردن را انتخاب کنند. در حالی این پیشگفتار را می‌نویسم که کتاب *مددکاری اجتماعی (1)* کار با فرد به چاپ هشتم می‌رسد. استقبال خوب از این کتاب تخصصی لطف خداوند بوده و هست و اساتید و دانشجویان، مسئولان سازمانهای مرتبط و کارشناسان حوزه‌های مختلف مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، مشاوره و راهنمایی، علوم تربیتی، مطالعات خانواده و... نیز در این استقبال نقش مؤثری داشته‌اند که از همه آنها سپاس گزارم.

از آنجایی که اولین تجدید نظر اساسی کتاب حاضر در چاپ چهارم انجام شده بود در این چاپ تغییرات اساسی فراگیر صورت نگرفته است ولی در برخی از قسمت‌ها آمارهای ارائه شده در کتاب تغییر کرده است و آمارهای جدید جایگزین آمارهای قبلی شده است. همچنین برخی از استراتژیهای اساسی (ارزشهای اساسی) جدید در مددکاری اجتماعی به استراتژیهای قبلی اضافه شده است. در بقیه قسمت‌ها تغییرات یا ویرایشی بوده و یا خیلی جزئی بوده است.

از مسئولان و همکاران محترم «سمت» به‌ویژه همکاران گروه علوم اجتماعی از جمله جناب آقای شیخ‌لر و جناب آقای عبدالرسولی به خاطر پیگیری مستمرشان و سایر همکاران اداره چاپ، فروش،... سپاس‌گزاری می‌نمایم.

حسن موسوی چلک

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران

Email: hmch47@yahoo.com

«به نام او که چرخش نامش باغ در باغ
ارغوانها را به رقص آورده است»

پیشگفتار

خدمت مخلوق کن بی‌مزد و بی‌منت بهار
ای خوش آن بینا که روزی دست نابینا گرفت

قصد آن بوده است که مجموعه مطالبی را درباره مددکاری اجتماعی در دو جلد با عناوین مددکاری اجتماعی کار با فرد (1) و (2) تقدیم علاقه‌مندان کنم که خوشبختانه اینک جلد نخست آن پیش روی شما گرامیان است. با توجه به ده سال تجربه در امور اجرایی، کارشناسی، برنامه‌ریزی، پژوهشی، مدیریتی و آموزشی در دانشگاهها و سازمانها و کار با گروههای مختلف از جمله بیماران عادی و خاص، معلولان، زنان سرپرست خانوار، معتادان، کودکان خیابانی، زنان آسیب‌دیده اجتماعی، جوانان، زوجهای متقاضی طلاق، کارگران و کارکنان، و ... تلاش کردم تا با بهره‌گیری از منابع موجود و تجارب خود و دیگران و با شناختی که از مشکلات این حرفه در کشور دارم کتابی را به دانشجویان و مددکاران تقدیم کنم که علاوه بر انتقال مفاهیم علمی، از نظر اجرایی نیز حاوی نکاتی سودمند باشد تا ان‌شاءالله به توانمندسازی آنان کمک بیشتری کند.

آوردن مثالهای متعدد و متنوع از موضوعات روز و بیان ساده، که در انتقال مفاهیم بسیار مؤثر است، از دیگر ویژگیهای کتاب حاضر است.

در نقل قول از منابع مختلف سعی شده است بیشتر از شیوه نقل قول مستقیم استفاده شود تا رعایت امانت شده باشد و فقط در بعضی از موارد که نیاز به ویرایش داشت، تغییرات مختصری ایجاد شده است.

کتاب حاضر علاوه بر دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی و علوم اجتماعی گرایش خدمات اجتماعی برای دانشجویان رشته‌های مختلف از قبیل روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، امداد و نجات، مطالعات خانواده، خدمات پرورشی و برای مددکاران و کارشناسان شاغل در وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادها از جمله آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی کشور، سازمان زندانها، کمیته امداد، سازمان تأمین اجتماعی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، مراکز درمانی، دادگاهها، مراکز نیروی انتظامی، کارخانه‌ها، ادارات، مؤسسات خیریه دولتی و غیردولتی نیز مفید است. جلد نخست کتاب مشتمل بر نه فصل است. در فصل اول، به تاریخچه مددکاری اجتماعی در جهان و ایران و ادیان مختلف پرداخته شده است.

در فصل دوم، تعاریف مفاهیم و اصطلاحات مورد نیاز دانشجویان و مددکاران ارائه شده است؛ ضمن اینکه اهداف و ارزشهای اساسی مددکاری اجتماعی و ویژگیهای مددکار اجتماعی نیز در این فصل آورده شده است.

ارتباط مددکاری اجتماعی با سایر علوم از جمله روان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، جمعیت‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، موضوع فصل سوم کتاب است.

فصل چهارم درباره مشکل در مددکاری اجتماعی است و در فصل پنجم، به اصول مددکاری اجتماعی اشاره شده است.

فصل ششم که درباره گروههای هدف در مددکاری اجتماعی است به دو قسمت تقسیم شده است که در این جلد به برخی از آنها اشاره شده و از بقیه گروهها در جلد دوم صحبت خواهد شد. فرایند مددکاری اجتماعی موضوع فصل هفتم کتاب است که تلاش شده به صورت مبسوط بررسی شود. فصل هشتم نیز به دو قسمت تقسیم شده و موضوع آن مهارتهای مددکاری اجتماعی است که به دلیل تعدد آنها برخی در این جلد و بعضی نیز در جلد دوم خواهد آمد. گزارش نویسی در مددکاری اجتماعی هم در فصل نهم توضیح داده شده است که سعی شده با توجه به نیاز دانشجویان و مددکاران اجتماعی و با رویکرد کاربردی به آن پرداخته شود و از آنجا که دانشجویان پس از گذراندن درس نظری مددکاری اجتماعی کار با فرد (1)، در ترم بعد کارورزی فردی (1) را می گذرانند ضرورت نوشتن بخش گزارش نویسی در این جلد احساس شد. در نوشتن کتاب حاضر از راهنمایی استادان ارجمندی برخوردار بودم که بر خود وظیفه می دانم از همه آنها، به خصوص استاد ارجمند جناب آقای دکتر انور صمدی راد و جناب آقای دکتر سید احمد حسینی تشکر و قدردانی کنم. در پایان، از دوستان ارجمندی که با بازخوانی کتاب و بیان پیشنهادهای و توصیههای مهم و ارزنده یاری ام کرده اند از جمله خانمها سلطانی، فرجی و آقایان الله دادی و بهزادمنش و نیز از مسئولان و کارشناسان و کارکنان سازمان سمت به دلیل زحمات قابل توجهشان در تألیف این کتاب و همچنین از جناب آقای جمال یزدانی که زحمت ویراستاری کتاب را متقبل شدند برحسب وظیفه و به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» تشکر می کنم.

حسن موسوی چلک
مددکار اجتماعی
مرداد 1383

دیباچه ای بر چاپ چهارم

مددکاری اجتماعی پویا و توانمندساز ضرورت حال و آینده

الهی در سر خمار تو، در دل اسرار تو و به زبان اشعار تو دارم، اگر گویم ثنای تو گویم و اگر جویم رضای تو جویم، الهی بر عجز خود آگاهم و بر بیچارگی خود گواهم، خواست خواست توست، من چه خواهم.
گر درد دهد به ما و گر راحت دوست
ما را نبود نظر به خوبی و بدی
از دوست هر آن چیز که آید نکوست
مقصود رضای او و خشنودی اوست
در حالی دیباچه را می نویسم که دو سال و نیم از چاپ اول این کتاب گذشته و به لطف خداوند رحمان و رحیم و به مدد استقبال خوبی که از آن به عمل آمده، که آن هم از لطف بیکران دریای رحمت حضرت دوست

است، چاپ چهارم آن منتشر می‌شود. در طول این مدت پیشنهادات و انتقادات ارزنده‌ای از طرف اصحاب فن مطرح شده که ضمن تشکر از همه آن بزرگواران، لازم دیدم چاپ چهارم با ویرایش جدید انتشار یابد. آنچه من را بر آن داشت تا در این چاپ دیباچه‌ای بنویسم سه مسئله است: مسئله اول، شکرگزاری از درگاه ایزد منان؛ مسئله دوم، سپاس‌گزاری از همه کسانی که با نفس گرم خود اینجانب را یاری و راهنمایی کردند؛ و مسئله سوم؛ طرح مباحثی مختصر در خصوص مددکاری اجتماعی در جامعه کنونی. مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که از دیرباز تاکنون مددکاری اجتماعی از طریق دستگیری از نیازمندان و حمایت از معلولان و سالمندان وجود داشته و دارد. در این زمینه سؤالاتی مطرح است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- آیا مددکاری اجتماعی فقط دستگیری از نیازمندان و ... است؟

- آیا مددکاری اجتماعی نیاز به تحول ندارد؟

- آیا رویکردهای کاربردی مددکاری اجتماعی همینهایی است که در حال حاضر وجود دارند؟

- نقش مددکاری اجتماعی در سیاست‌گذاری و در چرخه توسعه پایدار کشور چگونه است؟

و سؤالات دیگر که از طرح بیشتر آنها پرهیز می‌شود.

با تأمل بر آنچه تاکنون داشته‌ایم و عمل کرده‌ایم، باید بپذیریم که مددکاری اجتماعی نیاز به تحولی اساسی دارد و لازم است به اصطلاح «طرحی نو در اندازد». البته منظور نگارنده از «طرح نو در انداختن» زیر سؤال بردن گذشته نیست بلکه منظور این است که در جامعه امروزی رویکردهای حاکم بر مددکاری اجتماعی باید متناسب با شرایط روز دنیا و جامعه باشد و این مسئله نافی اقدامات مناسب گذشته نیست که ممکن بود در زمان خود اقدامات مؤثری نیز بوده باشند. اما معتقدم که در جامعه امروزی «مددکاری اجتماعی پویا و توانمندساز» ضرورت حال و آینده است و گریزی از آن نیست.

در این رویکرد نوین در عمل، مددکاری اجتماعی از فردمحوری و مرکز‌محوری به اجتماع‌محوری تغییر شکل می‌دهد و از دانش نوین بهره می‌گیرد و با اشراف بر جامعه جهانی به صورت منطقه‌ای، محلی و بومی برنامه‌ریزی و عمل می‌کند و هدف اصلی خود را نه صرف کمک به افراد دارای مشکل برای رسیدن به استقلال نسبی که فراهم کردن زمینه ارتقای کیفیت زندگی آحاد جامعه انتخاب می‌کند تا انسانها زندگی کردن را بر «زنده بودن» ترجیح دهند. نگارنده معتقد است که حرفه مددکاری اجتماعی به دلیل جامعیتی که دارد این توان و قدرت را دارد، اما این راه طولانی همراهان همدل، هم‌نوا، همصدا، انعطاف‌پذیر و با دانش بالا را می‌طلبد تا بتوانند به این هدف جامه عمل بپوشاند.

در مددکاری اجتماعی پویا انسان سالم و کارآمد محور توسعه است و به همین دلیل بر افزایش سرمایه اجتماعی از طریق ارتقای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد.

سلامت‌نگری از محورهای مددکاری اجتماعی پویا و توانمندساز است و در این راستا توجه به سطح اول پیشگیری با هدف ارائه اطلاعات و آگاه‌سازی به‌موقع که منجر به افزایش دانش، تغییر نگرش و تغییر کنش (رفتار) شود، سرلوحه برنامه‌های مددکاری اجتماعی قرار می‌گیرد. در این رویکرد بیش از آنکه در عمل، مددکار اجتماعی محور قرار گیرد مردم، گروه‌های خودیاری و همیاری و سازمانهای غیر دولتی محور امورند که این مسئله می‌تواند توانمندسازی را به دنبال داشته باشد. البته این امر در سه حوزه برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت

تحقق می‌یابد. «آموزش» کلیدی‌ترین و محوری‌ترین برنامه در مددکاری اجتماعی پویا و توانمندساز خواهد بود. ضمن اینکه پژوهش و نتایج حاصل از آن نیز در برنامه‌ریزیهای مددکاری اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در عمل خواهد داشت. در این ساختار، از تجارب جهانی و داخلی به‌خوبی بهره گرفته می‌شود و نظام هوشمند ارزیابی و پیگیری مستمر وجود دارد و به عنوان اقدام حاشیه‌ای در نظر گرفته نمی‌شوند. مشکلی که مددکاری اجتماعی سنتی از آن رنج می‌برد شیفتگی نسبت به گذشته و پرهیز از تغییر و تحول است که در این رویکرد این‌گونه نیست. به گذشته و گذشتگان و پیشکسوتان احترام گذاشته می‌شود اما نظام هوشمندی وجود خواهد داشت که ضمن بهره‌گیری از تجارب گذشته نه تنها لحظه‌ای از زمان حال فاصله نخواهد داشت بلکه با نگاهی به آینده (آینده‌پژوهی) برنامه‌ریزی می‌کند و از این طریق این نظام هوشمند به حاکمیت و جامعه نیز بهره کافی می‌رساند. این نظام هوشمند از تمام فرصتها و منابع و دانشها برای توانمندسازی و پویایی بهره می‌گیرد ضمن اینکه خود نیز در خدمت سایر نهادها قرار خواهد داشت.

مددکاری اجتماعی در این رویکرد، محدود به «اجرا» نیست بلکه با استفاده از دانش تخصصی و تجربه‌های مختلف در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیری کلان و خرد ملی و منطقه‌ای نیز نقش فعال و پویا ایفا می‌کند و در این راه همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد مشارکت مردم، گروههای خودیاری از گروههای هدف و سازمانهای غیر دولتی را نیز خواستار است چرا که اعتقاد بر این است که بدون مشارکت مردم نمی‌توان موفقیتی به دست آورد و در عمل توانمندسازی اتفاق نخواهد افتاد. تربیت نیروی انسانی متخصص یکی از ارکان اصلی است و به همین دلیل انعطاف‌پذیری و تقویت و بازنگری نظامهای آموزشی و واحدهای درسی دانشگاهها نیز مورد توجه است.

در خاتمه لازم می‌دانم بر حسب وظیفه و به مصداق «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» از همه عزیزانی که با رهنمودهای ارزشمند خود اینجانب را مورد لطف قرار داده‌اند و از مسئولان و کارکنان صدیق «سمت» که همکاری لازم را برای چاپ کتاب انجام داده‌اند، سپاس‌گزاری نمایم و برای همه آنها آرزوی سلامتی، عزت و سربلندی نمایم. از همه اندیشمندان و کارشناسان تقاضا می‌کنم راهنماییها، پیشنهادها و انتقادهای سازنده خود را از اینجانب دریغ نکنند. در پایان با خواجه عبدالله انصاری همراه می‌شوم و دعا می‌کنم که:

- الهی دلی ده که شوق طاعت افزون کند و توفیق طاعتی ده که به بهشت رهنمون کند.

- الهی دلی ده که در کار تو جان بازیم، و جانی ده که کار آن جهان بسازیم.

- الهی نفسی ده که حلقه بندگی تو گوش کند و جانی ده که زهر حکمت تو نوش کند.

- الهی دانایی ده که در راه نیفتیم و بینایی ده که در چاه نیفتیم.

الهی مرا آن ده که آن به.

سیدحسین موسوی چلک

مددکار اجتماعی

تهران، اسفندماه 1385

Email: hmch47@Yahoo.com

به جای مقدمه

به قلم سوگند

«قلم توتم من است، توتم ماست، به قلم سوگند، به خون سیاهی که از حلقومش می‌چکد سوگند، به رشحه خونی که از زبانش می‌تراود سوگند، به ضجه‌های دردی که از سینه‌اش بر می‌آید سوگند ... توتم مقدسم را نمی‌کشم، گوشت و خونس را نمی‌خورم، به دست زورش تسلیم نمی‌کنم، به کیسه زرش نمی‌بخشم، به سرانگشت تزویرش نمی‌سپارم، دستم را قلم می‌کنم و قلم را از دست نمی‌گذارم، چشم‌هایم را کور می‌کنم، گوش‌هایم را کر می‌کنم، پاهایم را می‌شکنم، انگشتانم را بندبند می‌برم، سینه‌ام را می‌شکافم، قلبم را می‌کشم، حتی زبانم را می‌برم و لبم را می‌دوزم ... اما قلمم را به بیگانه نمی‌دهم.

قلم توتم من است، امانت روح‌القدس من است، ودیعه مریم پاک من است، صلیب مقدس من است ... بگذار بر قامت بلند راستین و استوار قلمم به صلیب کشند، به چار میخم کوبند تا او که استوانه حیاتم بوده است صلیب مرگم شود، شاهد رسالتم گردد، گواه شهادتم باشد، تا خدا ببیند که به نامجویی بر قلمم بالا نرفته‌ام، تا خلق بداند که به کامجویی بر سفره گوشت حرام توتم ننشستم، تا زور بداند، زر بداند و تزویر بداند که امانت خدا را، فرعونیان نمی‌توانند از من گرفت، ودیعه عشق را قارونیان نمی‌توانند از من خرید و یادگار رسالت را بلعیمان نمی‌توانند از من ربود ... قلم زبان خداست، قلم امانت آدم است، قلم ودیعه عشق است، هرکس را توتمی است و قلم توتم من است و قلم توتم ماست»¹.

تحولات کنونی جوامع و رشد فزاینده مسائل و مشکلات انسان امروزی موجب شده تا علوم با تخصصی شدن بیش از پیش بتوانند در خدمت انسانها باشند. یکی از این علوم که در اوضاع کنونی کاربرد بسیاری دارد «مددکاری اجتماعی» است. در جامعه ما، به دلیل گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش شمار بیکاران، معتادان، زنان خیابانی و افزایش میزان جرایم و آسیب‌های اجتماعی، طلاق، خودکشی، کودکان خیابانی، فرار از منزل، کودک‌آزاری، همسرآزاری و غیره، مددکاری اجتماعی کاربرد بسیار دارد.

البته، این امر منوط به چند مسئله است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص. برای این کار، نیاز مبرم به وجود منابع، کتب کاربردی و علمی است که متأسفانه در کشور ما کمبود آن کاملاً مشهود است.
- تخصصی شدن مددکاری متناسب با گروه‌های هدف.

- وجود نیروی انسانی علاقه‌مند به یاری دیگران؛ زیرا در این حرفه بیش از 4 هرچیز باید عشق خدمت به خلق داشت و به همین دلیل است که مددکاری را بی‌رونق عشق و بی‌بازار مهر نمی‌توان یافت.

- ایجاد اتحاد و همدلی بین مددکاران اجتماعی اعم از جامعه دانشگاهی و اجرایی. مددکاری اجتماعی در ایران، با وجود بسترهای بسیار مناسب برای کار و خدمت‌رسانی، هنوز نتوانسته است جایگاه واقعی خود را به دست آورد؛ بنابراین، امروز به جای جدال بر سر واژه‌ها، باید دلها را به هم نزدیک‌تر کرد، به گونه‌ای که همه در پی دستیابی به یک هدف مشترک باشیم که همانا اعتلای این حرفه در جامعه و بهره‌مند شدن مردم از خدمات

¹. از کتاب کویر، اثر دکتر علی شریعتی.

مددکاران است.

- توجه مددکاران اجتماعی به عرضه خدمات در سطوح مختلف برای پیشگیری. امروزه، بیشتر وقت مددکاران صرف خدمت به افرادی می‌شود که دچار مشکل شده‌اند، در حالی که پیشگیری نیز باید مدنظر قرار گیرد. - تحلیل کارشناسانه و غیرسیاسی مسائل موجود جامعه به منظور استفاده برنامه‌ریزان کلان کشور. متأسفانه، با وجود افزایش مشکلات اجتماعی، به جایگاه مددکاری اجتماعی در سیاست‌گذاری، آن‌گونه که باید، توجه نشده است. از این‌رو ضروری است که جامعه مددکاری حرکت جدی را در این زمینه آغاز کند.

- تقویت تشکلهای مددکاری اجتماعی در سطح استانها و شهرهای کشور از دیگر مسائلی است که باید مدنظر قرار گیرد؛ چون در شناخت این حرفه تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت.

- تغییر سرفصلهای مصوب دروس مددکاری و متناسب کردن آن با نیاز امروز جامعه از دیگر اقداماتی است که جامعه مددکاری کشور باید پیگیری کند. فارغ‌التحصیل این رشته باید با گروههای هدف خود در جامعه آشنا باشد و موانع و مشکلات آنها را بشناسد تا بتواند از این اطلاعات به صورت کاربردی استفاده کند. استادان گرامی نیز باید خود در این زمینه پیشگام باشند. با توجه به تنوع مسائل اجتماعی در کشور ضرورت مسئله فوق انکارناپذیر است؛ مثلاً تا چندسال قبل پدیده‌ای به نام کودک خیابانی در کشور به شکل امروزی وجود نداشت، ولی امروزه یکی از واقعیات جامعه ماست و استادان باید این مسئله را برای دانشجویان تحلیل و تبیین کنند.

- امکان انتقال مستقیم تجارب پیشکسوتان این رشته به نیروهای جوان و فعال نیز ضروری است. - شناخت مشکلات واقعی جامعه مددکاری و تلاش برای حل آنها. لازمه این امر، نخست، واقع‌بینی است و سپس، همکاری و همدلی و پیگیری برای رفع مشکلات و ضعفها و تقویت تواناییها. لازم می‌دانم از همه کسانی که تا به امروز پرچم مددکاری را، چه در دانشگاهها و چه در مراکز اجرایی و برنامه‌ریزی، برافراشته نگه داشته‌اند تشکر کنم و ارادت خود را به آنان اعلام دارم.

همچنین یاد و خاطره عزیزانی را که در این عرصه خدمت می‌کردند و اکنون در بین ما نیستند گرامی می‌دارم. در پایان شعری از شیخ بهایی را به مددکاران اجتماعی تقدیم می‌کنم:

| | |
|--|---------------------------------------|
| همه روز روزه‌بودن، همه شب نماز کردن | همه‌ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن |
| شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای رازگفتن | ز وجود بی‌نیازش، طلب نیاز کردن |
| به مساجد و معابد، همه اعتکاف جستن | ز ملامی و مناهی، همه احتراز کردن |
| ز مدینه تا به کعبه، سر و پا برهنه‌رفتن | دو لب از برای لبیک، به وظیفه باز کردن |
| به‌خدا که هیچ‌یک را، ثمر آن قدر نباشد | که به روی ناامیدی، در بسته باز کردن |

حسن موسوی چلک

مددکار اجتماعی

تهران 1383

Email: hmch47@Yahoo.com